

Analysis of the political, cultural and civilizational situation of the Imams in the sixth century AH

Seyyed Reza Tabatabaeinia¹ | Ayyoub Pour Qayyumi² | Rasool Rezapour³

Abstract

Islamic civilization started from the era of the Holy Prophet (PBUH), especially his ten-year presence in Madinah, and the society gradually got out of tribal and tribal life and took a civilized form. After the Prophet (PBUH), the role of the Shia imams, peace be upon him, in the continuation of this path, has been an irreplaceable role and has distinguished the Islamic society, especially the Shia society, in various spheres. The purpose of this article is to investigate the political and cultural situation of the Twelver Shias in the 6th century of Hijri, and to achieve this goal, the method of collecting library information with the tool of data collection and referring to first-hand sources with a descriptive and analytical approach has been used. This research is trying to answer the question of what was the political, cultural and civilizational situation of Imami Shiites in the 6th century of Hijri? The findings show that the Shia community, despite the lack of political power and being in the minority in terms of population and population, and the pressure of extremists and fanatics of the Sunni religion; It gained a high position in the path of civilizational growth. The results indicate that they built mosques, schools, libraries, and other scientific and educational centers in the path of cultural and civilizational growth and advancement, and in line with the production of science, authored valuable works and books and educated the society scientifically and religiously. and trained transformative thinkers in the fields of jurisprudence, literature, history, theology, commentary, philosophy, etc.

Keywords: Shia Imamiyya, culture, politics, sixth century, civilization.

4

Vol. 1
Winter 2023

Research Paper

Received:
29 August 2022
Accepted:
12 February 2023
P.P: 77-103



1. Corresponding Author: Instructor, Department of Islamic Education, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran. S.tabatabaei1358@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran.
3. Instructor, Department of Islamic Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

واکاوی وضعیت سیاسی، فرهنگی و تمدنی امامیه در قرن ششم هجری

سیدرضا طباطبایی نیا^۱ | ایوب پورقیومی^۲ | رسول رضاپور^۳

چکیده

تمدن اسلامی از عصر پیامبر اکرم (ص)، به ویژه حضور ده ساله آن حضرت در مدینه، آغاز شد و جامعه به تدریج از حالت زندگی عشیره‌ای و قبیله‌ای خارج و شکل تمدنی به خود گرفت. پس از پیامبر (ص)، نقش امامان شیعه علیهم‌السلام در تداوم این راه، نقشی بی‌بدیل بوده و جامعه اسلامی به‌ویژه جامعه شیعی را در حوزه‌های مختلف متمایز نموده است. هدف این مقاله بررسی اوضاع سیاسی و فرهنگی شیعیان اثنی‌عشری در قرن ششم هجری بوده و برای نیل به این مقصود، از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با ابزار فیش برداری و مراجعه به منابع دست اول و با رویکرد توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. این پژوهش درصدد است به این سوال پاسخ دهد که شیعیان امامیه در قرن ششم هجری از جهت سیاسی، فرهنگی و تمدنی چه وضعیتی داشتند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد، جامعه شیعی با وجود فقدان قدرت سیاسی و در اقلیت بودن از جهت نفوس و جمعیت، و فشار تندروها و متعصبین سنی مذهب؛ جایگاهی رفیع در مسیر رشد تمدنی کسب کرد. نتایج حاکی از آن است که آنان در مسیر رشد و اعتلای فرهنگی و تمدنی، اقدام به ساخت مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها و سایر مراکز علمی و آموزشی کرده و در راستای تولید علم، به تالیف آثار و کتب ارزنده و تربیت علمی و مذهبی جامعه پرداخته و اندیشمندانی تحول‌آفرین در عرصه فقه، ادبیات، تاریخ، علم کلام، تفسیر، فلسفه و ... تربیت نمودند.

کلیدواژه‌ها: شیعیان امامیه، فرهنگ، سیاست، قرن ششم، تمدن.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۴

سال اول
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۲۳

صص: ۱۰۳-۷۷



۱. نویسنده مسئول: مری، گروه معارف اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. S.tabatabaei1358@gmail.com

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۳. مری، گروه معارف اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

مقدمه

سده ششم هجری در تاریخ تشیع از دوره‌های مهم و در عین حال مبهم به شمار می‌رود. مبهم از آن جهت که پیش از این قرن، دولت شیعی آل بویه منقرض و دولت متعصب سنی سلجوقی جایگزین آن گردید و مجال چندانی برای پرداختن به اوضاع شیعیان امامیه ایجاد نشد. روی کار آمدن دولت‌ها و وزرای شیعی که با سنت تساهل و تسامح به توسعه و رونق فرهنگ پرداختند و در شهرهای شیعه نشین مانند: ری، قم، آوه، ورامین، سبزوار و کاشان و سایر بلاد، مدارس و کتابخانه‌هایی عالی ساختند که به نشر مکتب اهل بیت (ع) در اعصار کمک شایان توجهی کرد.

در سال ۴۳۴ هـ.ق ترکان سلجوقی به ری و بعد از مدتی به بغداد حمله کردند و آل بویه را از صحنه سیاست کنار زدند. آنان با انتخاب مذهب تسنن و تحت تاثیر جو سنی‌گری حاکم بر ماوراءالنهر و خراسان و تحریک وزرای چون کندری و دیگران بر ضد شیعیان سخت‌گیری زایدالوصفی را اعمال نمودند.

همچنین قرن ششم هجری در تاریخ تمدن اسلامی نیز اهمیت خاصی دارد. اهمیت آن از این جهت است که این قرن، حائل بین دوره اوج و رکود تمدن اسلامی است. زیرا قرن چهارم و پنجم هجری، دوره رشد و ترقی این تمدن و قرن هفتم، که همزمان است با حمله مغولان و صلیبیان از شرق و غرب به جهان اسلام، دوره رکود این تمدن است. به راستی، وضعیت سیاسی فرهنگی و تمدنی امامیه در قرن ششم هجری چگونه بود؟ با وجود مشکلات سیاسی و وجود دولت متعصبی چون ترکان سلجوقی و ضدیت آنان با اقلیت شیعه، این جماعت، چه خدمات فرهنگی و تمدنی به بشریت ارائه کردند؟

این مقاله، ضمن بررسی وضعیت سیاسی و فرهنگی شیعیان امامی در قرن ششم؛ به بررسی مدارس و کتابخانه‌ها و شرح حال عالمان برجسته شیعه آنان می‌پردازد. همچنین بررسی می‌کند که شیعیان چگونه ضمن ارتقای فرهنگی خود، به توسعه مذهب خویش و حل بحران ایجاد شده توسط متعصبان سنی و حتی تبدیل آن به فرصتی طلایی کردند.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه پژوهشی این موضوع باید گفت، وضعیت سیاسی فرهنگی و تمدنی امامیه در قرن ششم هجری در آثار پژوهشی یا موضوعی کم کار شده است یا به صورت بخش فرعی از یک پژوهش نگارش یافته است. به برخی از پژوهش‌هایی که در این موضوع انجام شده می‌توان به مقاله «امامیه در مازندران قرن ششم» اشاره کرد که به قلم دکتر علی مظاهری نوشته شده است. این مقاله در نشریه معارف اسلامی به سال ۱۳۵۳ یعنی ۴۸ سال قبل در صفحات ۳۰-۳۹ به چاپ رسیده است. مؤلف ضمن بیان تاریخچه مازندران در یکی دو صفحه پایانی مقاله، به وضعیت شیعیان امامیه مازندران پرداخته است.

همچنین مقاله «بررسی روابط اسپهبدان مازندران و شیعیان امامیه در دوره سلجوقیان» که در نشریه تاریخ نو، به سال ۱۳۹۵ در صفحات ۳-۱۹، به قلم محمدرضا پور، طاهره قاضی پور شیروان، معصومه باغانی خانلق، چاپ شده است؛ به بررسی روابط آل اسپهبد با سلاجقه، و شیعیان امامیه و اسماعیلیه پرداخته و نقش این خاندان در ترویج امامیه را مورد کنکاش قرار داده است.

کتاب «علم از دیدگاه کلام امامیه از قرن اول تا هفتم هجری» نوشته ناصرالدین اوجاقی، در سال ۱۳۸۹ چاپ شده است. مؤلف به ارائه دیدگاه‌های مختلف متکلمان شیعه درباره علم امام و منابع این علم و رابطه آن با علم خدا پرداخته است. همچنین، کتاب تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، نوشته رسول جعفریان، در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. مؤلف در فصلی وضعیت تشیع ایران در قرن ششم را بررسی کرده است. سیداحمد رضا خضری نیز در کتاب تشیع با تاریخ چاپ ۱۳۹۱ ضمن پرداختن به مبانی اعتقادی، تاریخ سیاسی و حکومت‌های شیعه از آغاز تا پایان دوره صفوی، در بخش سوم کتاب دولت‌ها و خاندان شیعی را بررسی کرده است. آنچه موجب گردید پژوهش پیش رو از سایر آثار نگاشته شده در این باره متفاوت شود تمرکز بر وضعیت سیاسی فرهنگی و تمدنی امامیه در قرن ششم در سطح جهان اسلام با رویکرد سیاسی، فرهنگی و تمدنی است که در آثار یادشده به صورت گذرا، ضمنی و کلی به آن پرداخته شده است.

وضعیت سیاسی و خدمات تمدنی دولت‌های امامی

سیاستمداران امامی مذهب

دولت شیعی و فرهنگ دوست آل بویه از نیمه اول قرن چهارم تا اواخر نیمه اول قرن پنجم، کمی بیش از یک قرن در عهد خلافت عباسی بر مناطق وسیعی از جهان اسلام حکومت راندند. یکی از آثار این حکومت، رشد و شکوفایی شیعیان امامیه و پرورش فرهنگ دوستی و فرهیختگی در بین آنان بود. رشد این دو مقوله توأمان با سپر تقیه، سبب نفوذ آنان در ارکان حکومت‌های متعصب بعد شد. وجود سادات علوی و نقبای آنان که تکیه‌گاه شیعیان امامیه بودند، نیز از دیگر عوامل وفق امامیه با شرایط جدید و رشد آنان در دوران سلجوقی و قرون بعد گردید.

یکی از آثار تاریخی که در قرن ششم هجری و در سال ۵۸۴ نوشته شده و بر موقعیت شیعیان این عصر در عرصه‌ی سیاست تأکید دارد؛ کتاب تاریخ‌الوزرا اثر نجم‌الدین ابوالرجاء قمی است. این کتاب مملو از اثرات نفوذ شیعیان و علویان در مناطقی همچون ری و قم در عصر سلجوقی است. نویسنده‌ی کتاب از فضایل شیعه‌ی قم است که دستی در شعر و ادبیات داشته، و علاوه بر آن مسئولیت‌هایی در حکومت و دیوان‌های مختلف نیز داشته است.

یعقوبی، مورخ معروف قرن سوم هجری، ضمن اشاره به سکونت شیعیان امامی مذهب در بغداد (مرکز خلافت بنی‌العباس) می‌نویسد: سلجوقیان گرچه در اوایل حکومتشان به خاطر تثبیت قدرت و متهم بودن شیعیان به حمایت از مخالفان آنان، نسبت به شیعیان سخت‌گیری‌هایی داشتند، اما به مرور این سخت‌گیری‌ها برطرف شد و به سیاست مدارا و تسامح مبدل گردید (یعقوبی، ۱۳۹۴: ۲۵).

در شام نورالدین زنگی (۵۴۰ ق) بعد از تسلط بر شام، مبارزه با شعائر شیعی را آغاز کرد اما با روی کار آمدن ایوبیان در نیمه دوم قرن ششم (۵۶۷-۶۵۰ ق) سخت‌گیری بر شیعیان در شام تشدید شد و موجب افول حضور شیعیان در شام شد. در خراسان (قرن پنجم و ششم هجری) حکومت‌های سنی مذهب غزنویان، سلاجقه و خوارزمشاهیان قدرت را در دست داشتند. برغم سیاست‌های ضد شیعی آنها، شیعیان امامی با تکیه بر سیاست اعتدال و میانه روی و تقیه در کنار نگارش تألیفات در فقه، کلام و اعتقادات شیعی در حفظ و اعتلای شیعه امامیه کوشیدند. مرقد مطهر امام‌رضا (ع) که در کانون توجه سلاطین سنی قرار داشت نیز در مسأله فوق تأثیر قابل توجهی داشت. همچنین فعالیت اسماعیلیان تندرو در خراسان مانع از توجه سلاطین به شیعیان امامی گردید.

همان‌گونه که اشاره شد، دولت سلجوقی در ابتدا، سیاست‌های سرکوبگراییانه و شرایط سختی را برای شیعیان ایجاد کرد. اما در دوره آشفته نیمه دوم حکومت سلاجقه، تحریکات سیاسی بر علیه امامیه تقلیل یافت و حتی آنان موفق شدند به‌عنوان کارگزاران دیوانی به بالاترین مناصب حکومتی سلجوقیان راه یابند. شیعیان در این دوره به فکر تشکیل حکومت نبودند و حرکتی هم بر علیه حکومت نداشتند. آنان ارتباط خود را با فقها حفظ کرده و مسائل مالی و قضایی خود را با آنان حل و فصل می‌کردند و جهت حفظ موقعیت جامعه شیعه و دفاع از حقوق محرومان در دستگاه‌های اداری نفوذ می‌کردند. در دوره دوم سلجوقی، شیعیان حتی در سمت وزارت نقش آفرینی کردند، که در ادامه اشاره خواهد شد.

از جمله وزرای شیعه مذهب در خلافت عباسی، ابوشجاع ظهیرالدین محمدبن حسین همدانی وزیر مقتدر عباسی و از حامیان شیعه بود (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۲۸۶). شرف‌الدین انوشیروان بن خالد کاشانی نیز از وزرای معروف شیعی قرن ششم هجری است. او هم وزیر خلیفه عباسی بود و هم وزیر سلجوقیان، از سال ۵۲۱ هـ.ق وزارت سلطان محمود سلجوقی و سپس وزارت خلیفه مسترشد و بعد وزارت سلطان مسعود سلجوقی را بر عهده داشت (سمعانی، ج ۱۰، ۱۳۹۹: ۲۷۹). او کتابی تاریخی به نام «صدر زمان الفتور و فتور زمان الصدور» و کتابی به زبان فارسی درباره شرح حال خود، دیوان سالاران و بخشی از تاریخ سلاجقه با عنوان «نفثه المصدور» را تألیف کرد.

معین‌الدین کاشی نیز از مشاهیر و بزرگان شیعه امامیه کاشان و از کارگزاران دیوان سلجوقی در ایام سلطنت ملک‌شاه است. خواجه نظام‌الملک نیابت امیر قماج را که از جمله بزرگان مملکت بود به او تفویض نمود. او همچنین به ولایت کاشان رسید. سرانجام سلطان سنجر او را به مقام وزارت رسانید (خواندمیر، ج ۳، ۱۳۶۶: ۱۵۸). کاشی از دشمنان اسماعیلیه بود و سلطان سنجر را به جنگ با آنان تحریک می‌کرد. او در نهایت توسط دو نفر از فدائیان اسماعیلی که در زمره اطرافیانش نفوذ کرده و اعتماد او را جلب کردند در سال ۵۲۸ ق به قتل رسید (همدانی، ج ۲، ۱۳۵۶: ۱۱۴).

از دیگر وزرای شیعی امامی سلاجقه که به تهمت الحاد در سال ۵۰۰ ق، کشته شد، نصیرالدین ابوالمحاسن سعدالملک سعدبن محمدآبی (آوجی) است. وی به هنگام امارت محمدبن ملک‌شاه در گنجه، مستوفی وی بود و پس از شروع جنگ‌های وی با برکیارق، همراه محمد سلجوقی بود و به هنگام محاصره اصفهان از سوی سپاهیان برکیارق، در حفظ این شهر که

جزو متصرفات محمد به شمار می‌رفت، کوشش بسیار کرد و پس از صلح دو برادر، اصفهان به برکیارق رسید و سعدالملک به تبریز نزد محمد رفت و به وزارت وی منصوب شد. وزارت سعدالملک از سوی محمد دو سال (۴۹۸-۵۰۰ هـ.ق) به طول انجامید (منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۵۴). عبدالجلیل قزوینی در مورد او آورده است: سعدالملک آوجی رحمه الله علیه شیعی امامی اصولی بود (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۸۶-۸۷)

ابونصر غرس الدوله محمد بغدادی (۴۸۸-۵۴۵ هـ.ق) از صاحب منصبان شیعه و علمای جامع الفنون شیعه در دربار خلفای عباسی بود. از سال ۵۱۳ هـ.ق ریاست دیوان رسائل را برعهده داشت و منشی مخصوص خلیفه عباسی بود. ابوسعده حسن (م ۵۴۶ ق) فرزند محمد بن علی بن حمدون بغدادی، از شیوخ شیعه امامیه بغداد و از نویسندگان و محاسبان دربار عباسی بود که در تنظیم بودجه و صرف و جمع آوری اموال دولتی تسلط خاصی داشت. او کتابی بنام الحساب و کتابی در تشکیلات دیوانی و حکومتی داشت (ابن خلکان، ج ۲، بی تا: ۴۰۹-۴۱۰).

بهاء الدین ابوالمعالی محمد (ابن حمدون)، ادیب و شاعر و مورخ شیعی که در زمان مستنجد عباسی به ریاست دیوان عرض منصوب شد و در سال ۵۵۸ ق به ریاست دیوان زمام (وزارت دربار) تعیین شد. خلیفه وقتی از مذهب او آگاه شد وی را عزل و زندانی کرد و در زندان جان سپرد (ابن خلکان، ج ۲ بی تا: ۵۰).

دوران سی و چهارمین خلیفه عباسی، ابوالعباس احمد بن حسن ملقب به خلیفه الناصر لدین الله (۵۷۵-۶۲۲ هـ.ق) اوج حضور شیعیان در ساختار قدرت و حکومت بود. در دوران خلافت او منصب وزارت و نیابت در اختیار شیعیان بود. ابن قصاب، ابن مهدی، ابن امسینیا و مویدالدین قمی از وزرای این دوره بودند (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۳۰۸-۳۱۲)

ابن قصاب (۵۹۰-۵۹۲ هـ.ق) از برجسته ترین وزرای شیعی ناصر است. او ریاست شمشیر و قلم را با هم داشت و فردی باهوش و آشنا به فنون جنگی بود که خلیفه بسیار به وی اعتماد داشت (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۴۳۵).

ابوالفضل محمد بن علی بن احمد قصاب اصالتاً شیرازی بود. وی در مدت وزارتش توانست نقش پررنگی در احیای قدرت خلافت عباسی بازی کند. او به آموختن دانش و ادب اشتغال ورزید و همتی بلند و اراده ای قوی داشت. ابن قصاب اقدامات فرهنگی هم داشت، از جمله اینکه او

کتابخانه‌ای را در محله درب الخیاطین بغداد ایجاد و کتاب‌های نفیس فراوانی برای آن وقف کرد و وقف نامه را هم به خط خودش نوشت. ابن قصاب خط خوشی داشت. وی به علما احترام زیادی می‌گذاشت و به اطرافیان خود هم بخشش فراوانی می‌کرد (نخجوانی، ۱۳۶۱: ۳۳۱).

دیگر وزیر شیعی ناصر، نصیرالدین ناصر بن مهدی علوی رازی از نسل قاسم بن حسن بن علی از سادات حسنی معروف به ابن مهدی است. زادگاهش مازندران و اصلیتش به ری برمی‌گشت. ابن مهدی در دوران وزارتش از شیعیان حمایت می‌کرد و قصد داشت آنها را در امور دخالت دهد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۰۲). ابن مهدی در علم و ادب و کتابت و بلاغت، امور دیوانی و قوانین اداری پیشرفت چشمگیری بدست آورد و چون بر مملکت عرب و عجم آگاهی داشت و از علم و دانش برخوردار بود، ناصر او را به نقابت طالبیان و نیابت وزارت منصوب کرد (ذهبی، ۱۹۶۷: ۹۵).

محمد بن احمد بن علی معروف به ابن امسینیا از کاتبان شیعه بود که به مقام وزارت رسید او برعکس ابن مهدی تندرو و سختگیر نبود و به دنبال ایجاد آرامش بود اما به دلایل نامعلوم از وزارتش خلع شد. مویدالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم بن برزقی قمی که اصالتاً ایرانی، اهل قم و شیعه بود. او نقش پررنگی در اقتدار عصر خلافت ناصر بازی کرد و شاید بتوان گفت مهمترین وزیر خلیفه ناصر بوده است. در دوره مویدالدین است که حمله سلطان محمد خوارزمشاه دفع شد (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۱۸۱ - ۲۰۶).

دوران خلیفه ناصر عصر حمایت از شیعیان بود، چه به لحاظ سیاسی و در اختیار داشتن مناصب و چه به واسطه‌ی فرهنگی و عقیدتی که شعائر شیعی مورد ترویج و اکرام بود و چه از لحاظ اجتماعی که شیعیان در وضع مطلوبی قرار داشتند. خلیفه الناصر لدین الله علاوه بر انتصاب شیعیان در مناصب مهم حکومتی، در تعظیم شعائر شیعی می‌کوشید و اقدام منفی بر علیه امامیه از سوی او گزارش نشده است. سیوطی درباره ناصر می‌نویسد: ناصر شیعه بود و برخلاف اجدادش به مذهب امامیه تمایل داشت (سیوطی، ۱۳۷۰: ۳۶۱).

وجود و بسط قدرت این وزیران مقتدر و کارآمد امامی در بدنه حکومت‌های وقت، علاوه بر خدمات ارزنده تمدنی به مسلمین، زمینه‌ساز حفظ و گسترش مذهب امامیه در مناطق تحت نفوذ را فراهم می‌کرد. شایان ذکر است، برخی از خلفای عباسی و حکمرانان سلجوقی، بخاطر حمایت یا جلب نظر اهل سنت و جماعت، به تضعیف شیعیان می‌پرداختند و حتی در مواردی، وزرای

کارآمد و شایسته خویش را برغم خدمات ارزنده، قربانی عقاید مذهبی می کردند. هرچند در دوران برخی از خلفای عباسی همچون ناصر، چه از لحاظ سیاسی، و چه از نظر فرهنگی و عقیدتی و اجتماعی، فضای آزاد خوبی برای امامیه فراهم شد و فشار اهل سنت که از حمایت حکام و خلفا برخوردار بودند نیز در این مقطع نبود.

۱- دولت‌های امامیه

در قرن ششم هجری شاهد شکل‌گیری یا استمرار برخی از دولت‌های شیعی در سطح جهان اسلام هستیم. معروفترین این دولت‌ها، حکومت‌های بنی‌مزید در شهرهای شیعه‌نشین جنوب بغداد و دولت آل‌عمار در طرابلس و دولت آل‌اسپهد در مازندران است. این دولت‌ها علاوه بر حمایت از علماء و شیعیان امامی مذهب، سعی در پیاده‌سازی آموزه‌های ائمه اطهار علیهم السلام در تمام ابعاد حیات فکری، سیاسی و اجتماعی جامعه داشتند و علاوه بر آن، پیشرفت‌های فرهنگی و خدمات شایسته تمدنی نیز ارائه نمودند.

۲- دولت بنی‌مزید

دولت بنی‌مزید یکی از دولت‌های امامی مذهب قرن ششم هجری است که خدمات ارزنده تمدنی همچون ساخت شهر با مظاهر تمدنی کارآمد دارد. آنان تأسیس و نظارت بر ساخت مساجد، مدارس، حوزه‌های علمیه، بازارها، کتابخانه‌ها و تربیت و پرورش دانشمندان بزرگی را در کارنامه خود دارند. مسعودی، بنی‌مزید را از «بنی‌اسد» شاخه‌ای از قبایل «مضر» معرفی کرده است. او می‌نویسد: قبیله‌ی بنی‌اسد شیعه امامی بودند و «بنی‌غاضر» شاخه‌ای از این قبیله است که شهیدان کربلا را به خاک سپردند (مسعودی، ج ۳، بی تا: ۶۳).

بنی‌مزید در صحاری قادسیه بر ساحل چپ دجله سکونت داشتند. اوایل قرن ۵ آغاز قدرت گرفتن بنی‌اسد به رهبری ابوالحسن علی بن مزید ملقب به سناء الدوله بود. این حکومت در سال ۵۴۵ هجری منقرض گردید. خدمات فرهنگی و تمدنی با رویکرد شیعی در دوره آنان قابل توجه است. ایشان حله را مأمّن امن برای دانشمندان قرار دادند و زمینه‌های ظهور یک نهضت علمی را فراهم آوردند. اوج فعالیت‌های علمی و کوشش‌های فرهنگی این

خانندان در دوره صدقه بن منصور است. صدقه که خود اهل شعر و ادب بود در سال ۴۹۵ هجری شهر حله را بنیان نهاد (حموی، ج ۲، بی تا: ۳۳۸-۳۳۹).

شهر حله در نزدیکی ویرانه‌های بابل کهن و در نود کیلومتری بغداد با رعایت اسلوب معماری و شهرسازی ساخته شد و در مدتی کوتاه به شهری آباد و پرجمعیت تبدیل گردید. ابن بطوطه در قرن هشتم هجری از این شهر بازدید داشته و ضمن تأکید بر باورهای امامی مردم این شهر، آن را شهری آباد و دارای بازارهای گسترده، وسیع، زیبا و پر نعمت بر شمرده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۱۴).

در دوره محمود سلجوقی (۵۲۵-۵۱۱ ق) در برخی مناطق سخت‌گیری‌هایی بر علیه شیعیان شد، مزیدیان قلمرو خود به‌ویژه حله را پناهگاهی امن برای شیعیان قرار دادند و برخی از حکمرانان آنان مانند صدقه بن منصور جان خود را در حمایت و پشتیبانی از شیعیان فدا نمود (رازی قزوینی، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

مزیدیان، به‌ویژه امیر سیف الدوله به علم و فرهنگ و ادب توجه و عنایت داشت، لذا عالمان و شاعران از نقاط مختلف به شهر حله آمدند و حاصل آن شکل‌گیری نهضت علمی و فرهنگی بود که نتایج آن تا اعصار بعد به خوبی نمایان بود. از شعرای فاضل این عصر بهاء‌الدوله منصور بن دبیس، بدران بن سیف الدوله، مزید بن صفوان حلی، اسفراینی و را می‌توان نام برد. سیف الدوله علاوه بر اقدامات نظامی و گسترش قلمرو حکومت خود، کتابخانه‌ای حاوی هزاران جلد کتاب در شهر حله دایر کرد (ابن اثیر، ج ۱۰، ۱۴۱۴: ۴۴۸).

تأسیس حوزه علمیه حله مهمترین اقدام علمی و فرهنگی مزیدیان در اواخر قرن پنجم هجری است. اما شکوفایی آن از اواسط قرن ششم آغاز گردید و دیری نپایید که به بزرگترین حوزه علمیه شیعه بدل گشت و محصولات علمی آن در قرن‌های بعد بی‌ار نشست. که شامل فقها و دانشمندان و کتاب‌های علمی بی‌نظیر و نظریه پردازی شد.

از مهمترین علمای این عصر، محمد ابن ادریس حلی (۵۹۸ ق) و شاگرد او فقیه برجسته، محمد بن جعفر بن هبه الله بن نما است که ایشان استاد یوسف بن مطهر، پدر علامه حلی است. جعفر بن الحسن الحلی معروف به محقق حلی، حسن بن یوسف حلی (۷۲۶ ق) مشهور به علامه حلی، علی بن موسی بن جعفر معروف به سید بن طاووس (۶۶۴ ق) و برادرش احمد بن طاووس حلی و ابن علقمی از پرورش یافتگان مدرسه ابن نما به شمار می‌روند. یکی دیگر از دانشمندان بزرگ این عصر

ابومحمد حسن بن علی بن داود حلی، ملقب به تقی‌الدین مولف کتاب الجامع للشرایع و الموجز است. ایشان در بین فقیهان شیعه، اولین کسی است که قواعد فقه را تدوین کرد (ربانی، ۱۳۸۶: ۲۳). ابن‌ادریس در حقیقت یک اندیشمند نوگرا و فقیه نظریه‌پرداز است. شهیدثانی در کتاب الرعایه از قول سیدبن طاووس می‌نویسد که بعد از شیخ طوسی باب اجتهاد بسته شد و تنها عده‌ای مقلد ظهور کردند (جبعی‌عاملی، ۱۴۰۸: ۹۳) در حقیقت ابن‌ادریس اولین کسی است که پس از شیخ طوسی آراء و نظریات ایشان را به چالش کشید و در برابر مطالب غیر اجماعی ایشان به مخالفت پرداخت. ظهور و بروز مکتب فقهی حله، در قرن ششم در ظل حمایت‌های بنی‌مزید، حله را تبدیل به مرکز فقهی شیعه کرد و علما و طالبان علم مذهب امامیه را از سراسر جهان اسلام، به‌ویژه حلب و لبنان و شامات به سوی حله روانه کرد و این شهر را تا قرن هشتم تبدیل به مرکز علم و دانش و فقه شیعه امامیه نمود.

۳- دولت آل‌عمار

دولت دیگر امامی مذهب قرن ششم هجری که در محدوده جغرافیایی لبنان امروز، خدمات تمدنی و فرهنگی کم‌نظیری ارائه کرد دولت آل‌عمار بود. آنان ضمن ایجاد کتابخانه‌ای بزرگ و ایجاد مراکز علمی کم‌نظیر، موقعیتی مناسب برای توسعه علم و دانش فراهم کردند. همچنین، با مقاومتی ستودنی در برابر هجوم فرنگیان صلیبی مهاجم به سرزمین‌های اسلامی، ایستادگی کردند و در این راستا فداکاری‌های زیادی نمودند.

آل‌عمار، نسب‌شان به قبیله طی می‌رسد و از سال ۴۶۲ تا ۵۰۳ هـ ق در طرابلس حکومت داشتند. ارتباط برخی علما، فقها و قضات شیعه با امرای طرابلس در این دوره، قرینه‌ای بر تشیع این دولت و گرایش امامی آنان دارد. «ابن‌براج» فقیه امامی قضاوت طرابلس را در این دوره برعهده داشت. شاگرد او «ابن‌ابی‌روح» نیز بعد استاد، قاضی طرابلس شد. جنبه فرهنگی این حکومت بر دیگر ویژگی‌های آن غلبه داشت. کتابخانه و دارالعلم آن مشهور بود (یعقوبی، ۱۳۹۴: ۷۱).

این دارالعلم، در راستای توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی در طرابلس تأسیس شد. دارالعلم در حقیقت موسسه علمی-آموزشی بود که مهمترین رکن آن کتابخانه بوده است. در این مرکز علمی-که از برخی جنبه‌ها شبیه برخی مدارس شبانه‌روزی حوزوی امروز بوده- اغلب دانشجویان و حتی در مواردی اساتیدی سکونت داشتند که به کار مطالعه و تحصیل اشتغال داشتند و هزینه

تحصیل آنان توسط متولیان این مراکز تأمین می‌شد (حاجی زاده، ۱۳۹۹: ۹۶-۱۱۱). همچنین جاذبه‌های علمی طرابلس سبب جذب دانشمندان و جویندگان علم از اطراف و اکناف به این شهر شد. این فعالیت‌های فرهنگی بر شکوفایی علمی و پویایی شیعیان قرن ششم در شام تأکید دارد. طومار این دولت شیعه امامی در اوایل قرن ششم هجری، با حمله صلیبیان فرنگی برچیده شد. این دولت برغم درخواست کمک قاضی فخرالملک ابوعلی ابن‌عمار از خلیفه عباسی در بغداد و حکام سلجوقی، در برابر حملات صلیبی‌ها یاری نشد. مهاجمین از آغاز تهاجم خود در سال ۴۹۲ق/۱۰۹۹م، در صدد فتح طرابلس بودند، ولی در سال ۵۰۳ق/۱۱۰۹م، با سقوط دولت بنوعمار موفق به این کار شدند (ابن اثیر، ج ۱۰، ۱۴۱۴: ۴۷۵). ناصر خسرو، توانایی نظامی و مقاومت این مردم شجاع شیعه را ستوده است (قبادیانی، ۱۷: ۱۸۸۱). بعد از سقوط این حکومت بود که، کتابخانه عظیم دارالعلم این شهر نیز توسط مهاجمین صلیبی دچار آتش‌سوزی شد (حاجی زاده، ۱۳۹۹: ۹۶-۱۱۱).

۴- دولت آل اسپهبد

سومین دولت امامی قرن ششم، دولت ایرانی آل اسپهبد است. اسپهبدان یا ملوک جبال دومین شاخه از خاندان باوندیه بودند که توانستند در اواخر قرن پنجم و ششم در مناطق مرکزی مازندران یعنی حد فاصل میان آمل تا استرآباد با تکیه بر اندیشه امامیه و برخورداری از حمایت مردم و نیز علما، حکومت شیعی دوازده امامی در این ناحیه ایجاد کنند که تا یک قرن تداوم یافت. استقامت شاهان اسپهبدی و پافشاری بر عقاید امامیه، موجب تبدیل اندیشه اثنی عشریه به قدرت سیاسی تأثیرگذاری در ایران شد. آنان نقش مهمی در اعتلای فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی شیعیان امامی ایفا نمودند (رمضانپور، ۱۳۹۵: ۳-۲۰).

دستگاه خلافت عباسی با کمک سلاجقه در صدد نابودی این حکومت نیمه مستقل شیعی برآمدند. گاهی بنی‌العباس برای نابودی آنان از بغداد سپاهی می‌فرستاد (طبری، ج ۷، ۱۴۰۳: ۵۲) و در مواردی از جنگ نرم و عملیات روانی بر علیه آنان استفاده می‌شد. در مقطعی هم، گروه‌های محلی را بر علیه آنان بسیج می‌کردند (خوارزمی، ۱۳۸۴: ۴۷۲). اما موقعیت جغرافیایی خاص مازندران و سختی لشکرکشی به آن دیار، کار را بر دشمنان سخت می‌کرد. مردم و علماء نیز به حمایت از آنان می‌پرداختند. همچنین، بیزاری این دولت از شیعیان اسماعیلی موجب پایداری آنان شد (رمضانپور، ۱۳۹۵: ۳-۲۰).

با تلاش‌های علمای امامیه، از اوایل قرن پنجم هجری آمار امامیه در مازندران رو به افزایش گذاشت (گیلانی، ۱۳۵۲: ۴۴). دانشمندان امامیه در آمل، ساریه، استرآباد، ارم و دیگر مناطق مازندران، مجالس حدیث، وعظ و مناظره برگزار می‌کردند. برطبق برخی گزارشات، پادشاهان باوند مبالغ زیادی را خرج عتبات عالیات و اماکن مبرک شیعی می‌کردند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۸۳). این خاندان، ضمن ترویج و تقویت شیعه اعتدالی، به مبارزه با غالیان و مکاتب انحرافی اهتمام ویژه‌ای داشتند. از آنان مبارزاتی با اسماعیلیان نیز گزارش شده است (بیانی، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۱۰۱).

بنابر این نقش محوری در گسترش امامیه در مازندران بر محور تلاش‌های علمای عامل استوار بود و امرای امامی مذهب باوندی با حمایت‌های بی‌دریغ خود در تسهیل و گسترش این امر نقش پررنگی داشتند. بسیاری از حملات تند سنیان متعصب بر علیه امامیه، در قرن پنجم به‌ویژه قرن ششم، در عرصه فرهنگ و ادب از قبیل شعر و خطابه و داستان، به گسترش اندیشه شیعی در این مقطع بر می‌گردد.

باوندیان در عرصه تمدنی خدماتی ارزنده‌ای داشتند. پایتخت اولیه آنان، شهر پریم بود که بعد از اسلام فریم خوانده شد، در ناحیه هزار جریب قرار دارد (برزگر، ج ۲، ۱۳۸۰: ۴۸). ساری و آمل نیز از مهمترین شهرهای آنها بود. شهر ساری دارای چندین بازار و یک دیوار دور شهر بود که دور آن خندق حفر شده بود و همچنین پل‌ها و بناهای عام المنفعه متعددی داشت (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۷۲). علاوه بر آن، شهرهای این دوره عموماً، واجد سیستم دفاعی، شامل برج و بارو و خندق بود. علاوه بر آن، دارالحکومه، شارستان، کهندژ، قصر، بازار، مسجد جامع، آرامگاه‌ها نیز از مراکز تمدنی محسوب می‌شد. در هنر معماری، آرامگاه‌ها به‌ویژه اجزای معماری آن از مفاهیم نمادین و رمزی خاصی برخوردار است. بنای آرامگاه‌ها در مازندران معمولاً برج‌های استوانه‌ای آجری با بامی مخروطی (گنبد) بود. اما کم‌کم به شکل شش ضلعی و هشت ضلعی و با غلبه تشیع اثنی عشری به بنای ۱۲ ضلعی تبدیل شد. برج رسکت در دو دانگه ساری که در اصل آرامگاه شاهان باوندی است، علاوه بر آن، برج لاجیم و رادکان از برج‌های ساخته شده در این دوره هستند (حسن نژاد، زمانه، ۱۳۹۳).

وضعیت فرهنگی شیعیان قرن ششم هجری

مراکز علمی و فرهنگی شیعیان امامیه، اعم از حوزه‌های علمیه، مدارس، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش و تعمیق فرهنگ و تمدن اسلامی در این قرن دارد. علاوه بر آن نقش دانشمندان برجسته و تحول‌آفرین امامی در این رابطه غیرقابل انکار است.

۱- تأسیس و گسترش مراکز علمی و آموزشی

نخستین مراکز آموزشی جهان اسلام مساجد بودند که محل تشکیل کلاس‌های درسی و حلقه‌های مباحثات علمی بود. اما به تدریج مراکز آموزشی از مساجد به مدارس منتقل گردید. هر چند نظامیه را نخستین مدارس معرفی می‌کنند؛ اما اولین مدرسه، در قلمرو علویان طبرستان و سپس شهرهای خراسان بنیان گذاشته شد (مرعشی، ۱۳۵۱: ۳۵۸).

شیعیان به رغم محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی فراوان، هر کجا تجمع داشتند مدارس و حوزه‌های علمیه تأسیس کردند. مراکز علمی و آموزشی شهرهای قم، ری، کاشان، سبزوار، ورامین و آوه در ایران؛ بغداد و نجف و حله در عراق؛ حلب و طرابلس در شام از مناطق تجمع شیعیان، گواه بر این مدعاست. این مراکز با تلاش فقها و دانشمندان شیعی و با حمایت‌های مالی نقیبان علوی که درآمدهایی از محل خمس و دیگر نذورات و موقوفات داشتند اداره می‌شد. تأسیس مدارس، مساجد، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها و تأمین مخارج این مراکز و هزینه معیشت اساتید و دانشجویان این مراکز از آن محل‌های یاد شده تأمین می‌گردید. شیعیان از حمایت‌های حاکمیت محروم بودند اما وزیران و شیعیانی که در حاکمیت نفوذ و حضور داشتند، پشتیبان مراکز علمی و آموزشی بودند.

در مدارس شیعه امامیه، دروسی همچون اصول دین یا اعتقادات، فقه، تعلیم قرآن برای کودکان تدریس می‌شد و نماز جماعت و ختم قرآن و مجالس موعظه نیز برگزار می‌شد (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۴-۳۶). قزوینی از مدرسه‌ای نام می‌برد که از آن، چهارصد فقیه و متکلم فارغ التحصیل شده بودند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۵). این مدارس کتابخانه‌هایی در کنار مدارس داشتند که کتاب‌های بسیاری برای آنها وقف شده بود (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۶).

علم و علم آموزی و تشویق به ساخت مراکز آموزشی از تأکیدات پیشوایان دینی شیعه بوده است. پیشینه امامیه در تربیت عالمان دینی همواره در طول تاریخ جلب توجه کرده است. همواره حوزه علمیه به عنوان نهاد مذهبی و آموزشی شیعیان برای آموزش و تربیت طلاب علوم دینی مطرح بوده است. این حوزه‌ها زیر نظر مراجع تقلید اداره می‌شد و هزینه‌های آن از طریق خمس و موقوفات تأمین می‌گردید.

۲- کتابخانه‌ها و دارالعلم‌های شیعی و تأثیرات فرهنگی آنها

نهاد کتابخانه‌ها در بین اندیشمندان امامیه جایگاه ویژه‌ای داشت. عبدالجلیل قزوینی (م ۵۸۵ ق) ضمن پرداختن به مدارس شیعی در قم و ری، ورامین و کاشان، این مدارس را واجد کتابخانه معتبر معرفی می‌کند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۵-۳۶-۱۹۸). علاوه بر آن، شیعیان واجد کتابخانه‌های شخصی و عمومی نیز بودند.

همچنین امامیه دارای مؤسسه‌های فرهنگی بنام دارالعلم بودند. اساس دارالعلم‌ها نیز در واقع بر کتابخانه‌ها استوار بود که در آن فعالیت‌های علمی و پژوهشی نیز انجام می‌شد و در حقیقت گامی در جهت تکوین دانشگاه‌های اسلامی و در راستای ترویج اندیشه‌های شیعی بود. از دارالعلم‌های قرن ششم شیعی می‌توان از دارالعلم بنی‌عمار (دارالعلم طرابلس) نام برد که مؤسس آن ابوالحسن علی بن محمد مشهور به جلال‌الملک بود. وجود این دارالعلم باشکوه در قلمرو حکومت شیعی امامی بنی‌عمار که از حکومت‌های کوچک بشمار می‌رود نشان دهنده توجه ویژه شیعیان امامی به مقوله فرهنگ است.

اهمیت دادن به مقوله فرهنگ به‌ویژه به کتاب و کتابخوانی در بین شیعیان همواره بصورت یک ارزش بوده و هست. این واقعیت در طول تاریخ بخوبی نمایان است.

۳- اندیشمندان و متفکرین

در طی قرن ششم هجری شمار فراوانی از دانش‌پژوهان شیعی مناطق مرکزی ایران مثل ری و قم و شمال (ساری و آمل) و شمال شرقی ایران (بیهق و نیشابور) با سفر به عراق (نجف و بغداد)، تشیع امامی را به ایران آوردند. برخی از آنان از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و فرزندش ابوعلی (زنده در سال ۵۱۱ هـ. ق) معروف به مفید ثانی و دیگر اساتید حوزه شیعی در نجف بودند. (جعفریان، ۱۳۶۸: ۴۷۶).

حسن بن محمد بن حسن طوسی معروف به ابوعلی طوسی و مفید ثانی (ابن فوطی، ۱۹۴۰: ۷۱۵) و غروی دیگر (م ۵۲۰ ق) فرزند شیخ طوسی، فقیه و محدث نامی قرن ۶ هـ. ق، یکی از مهمترین حلقه‌های واسطه در سلسله اسانید شیعه و از اعظام فقهای عصر خود بشمار می‌رفت (حسینی جلالی، ۱۴۱۲: ۱۲). شهرت علمی ایشان طالبان فقه و علوم امامی را به محضر او کشاند و نقش بی‌بدیل او در بسط موقعیت فرهنگی شیعیان حتی در قرون بعد از خود آشکار است.

یکی از معروفترین علمای شیعه در قرن ششم هجری، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی معروف به امین الاسلام طبرسی، متوفی سال (۵۴۸هـ.ق) در سبزوار از شاگردان ابوعلی طوسی است (عابدی، ۱۳۸۰: ۲۰۶-۲۰۷). و در اصول، فقه و تفسیر و حدیث کتاب‌هایی دارد. معروفترین اثر او تفسیر مجمع البیان و کتاب‌های جوامع الجامع و اعلام الوری است.

عبدالله بن جعفر دوریستی (طرشتی) از عالمان و فقها و محدثان برجسته که در سال ۵۵۶ ق در بغداد تلمذ علوم داشته (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۳: ۱۳۵-۱۳۶). و برادرش خواجه حسن، شاعری توانا بود و به عربی هم اشعاری دارد (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۴۵-۱۴۶). نسب این خاندان به حذیفه بن یمان از صحابه رسول خدا می‌رسد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۹۷۲: ۱۴۰). از شاگردان معروف ایشان ابن ادريس حلی و شاذان بن جبرئیل قمی است (مجلسی، ج ۱۰۶، ۱۳۶۳: ۴۱-۴۳). مدفن ایشان در طرشت زیارتگاه مردم تهران است.

ابوجعفر محمدبن علی بن شهر آشوب، متوفی ۵۸۸ هـ ق در جبل الجوشن در حلب سوریه (امین عاملی، ج ۱، بی تا: ۸۲)، معروف به ابن شهر آشوب ساروی مازندرانی است (صدرحاج سیدجوادی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۳۳۷). ایشان مفسر، محدث، ادیب و فقیه بزرگ امامی است، وی در حدیث و رجال و مناقب هم تبحر ویژه داشت. ابن شهر آشوب از شاگردان فتال نیشابوری، زمخشری، طبرسی، ابوالحسن بیهقی، شوهانی، ابوالفتح رازی و قطب‌الدین راوندی است. از شاگردان ایشان ابن ادريس حلی، ابن بطریق حلی، ابن ابی طی و ابن زهره حلبی می‌باشند (قمی، ج ۲، ۱۳۸۷: ۷۱۲). ایشان نویسنده کتاب‌هایی همچون مناقب آل‌ابی طالب و معالم العلماء است (مدرس، ج ۸، ۱۳۷۴: ۵۹).

قطب‌الدین کیدری بیهقی، ابوالحسن محمدبن حسین بن تاج‌الدین؛ عالم، فقیه، ادیب و شاعر قرن ۶ هجری قمری و متولد سال ۵۷۶ هجری قمری، اصالتاً اهل روستای کیدر بیهق و از شاگردان طبرسی و ابن حمزه طوسی و معاصر با قطب راوندی است (کیدری، ۱۴۱۶: ۶). قطب‌الدین کیدری بیهقی کتاب مباحج المهج فی مناهج الحجج در عقاید شیعی. کفایه البرایا فی معرفه الانبیا و الاولیاء، مباحج فی مناهج الحجج؛ الدرر فی دقائق علم النحو، البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه، لب الالباب در مسائل کلام، را به رشته تحریر در آورد. کتاب حدائق الحقایق فی تفسیر دقائق احسن الخلائق در شرح نهج البلاغه هم از آثار اوست (جهان بخش، ۱۳۷۸: ۱۵۲-۱۸۳).

فتال نیشابوری معروف به ابن فتال و ابن فارسی از دانشمندان ایرانی شیعه امامیه قرن ۵ و ۶ هجری و متولد نیشابور است. نام کامل او محمد بن حسن نیشابوری ملقب به فتال (ببل هزار دستان به سبب خوش صوتی به او اطلاق می شد) و واعظ است (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۱۲). ایشان از شاگردان شیخ طوسی و سید مرتضی علم الهدی است. او از مشایخ ابن شهر آشوب بوده است (موسوی بجنوردی، ج ۴، ۱۳۹۵: ۹۰). فتال در سال ۵۰۸ هجری به دست شهاب الاسلام به قتل رسید و او را با لقب شهید یاد کرده اند (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۱۳). دو اثر مهم ایشان روضه الواعظین و بصیره المتعظین (که از جمله مصادر بحار الانوار است) و کتاب التنویر فی معانی التفسیر است (مجلسی، ج ۴۳، ۱۳۶۳: ۳۲۳).

خواجه نصیر الدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲هـ.ق): محمد بن محمد بن حسن طوسی معروف به خواجه نصیر از علما و فقهای بزرگ قرن ۶ و ۷ ق است. او در کلام و فلسفه و فقه و ریاضیات و نحو و ادبیات سرآمد علمای زمان خود بود.

۴- مفسران قرآن کریم

این قرن یکی از درخشانترین دوره‌های علوم قرآنی و تفسیری شیعیان امامی است، کتب تفسیری در این دوره به زبان فارسی هم تدوین می شد. از معروفترین کتب تفسیری این قرن به این کتب می توان اشاره کرد. کتاب تفسیر ابن فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق) با نام التنویر فی معانی التفسیر؛ تفسیر جامع العلوم باقولی اصفهانی (زنده در سال ۵۸۵ ق)؛ تفسیر سید ضیاء راوندی (زنده در سال ۵۴۹ ق)؛ تفسیر اسئله القرآن بیهقی (۵۶۵ ق)؛ خلاصه التفاسیر قطب راوندی (۵۷۳ ق)؛ تفسیر عزالدین راوندی (زنده در سال ۵۸۵ ق)؛ مختصر التبیان، ابن کیال (م ۵۹۷ ق)؛ مختصر التبیان از ابن ادريس حلی (۵۹۸ ق) و مفتاح التفسیر اثر برهان الدین ابی الخیر حمدانی (اواخر قرن ششم ق)؛ کتاب تفسیر متشابه القرآن و مختلفه در ۲ جلد، تألیف ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۳ ق) به زبان عربی و با گرایش کلامی است.

تفسیر مجمع البیان لعلوم القرآن طبرسی (م ۵۴۸ ق) اثر امین الاسلام فضل بن حسن بن فضل طبرسی با گرایش جامع-عقلی و اجتهادی و تفسیر جوامع الجامع با گرایش ادبی-کلامی است. طبرسی صاحب ۳ کتاب تفسیر است. از آثار تفسیری او «المؤتلف من المختلف من أئمة السلف»،

«مجمع البیان» و «جوامع الجامع» و «الکاف الشاف من اشکاف» هر سه در تفسیر قرآن است. مجمع البیان را تفسیر کبیر، جوامع الجامع را تفسیر اوسط و الکاف و الشاف را تفسیر صغیر نامیده‌اند. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن تألیف ابوالفتح رازی در قرن ششم به نشر فصیح ادب پارسی به شیوه کلامی - روایی، نگاشته شد.

۵- فقهای معروف

این قرن شاهد ظهور فقهای مجدد و بزرگی است که در تاریخ فقه شیعه تحول‌آفرین شدند. بی‌شک ابن ادریس برترین فقیه شیعه در این قرن است. این عصر، دوره تجدید حیات فقهی و گسترش استدلال و استقلال در فهم دین با رویکرد انتقادی در فقه است. این سبک تا دوران محقق حلی (م ۶۷۶ ق) ادامه یافت.

یکی از مهمترین حلقه‌های واسطه در سلسله اسانید شیعه، حسن بن محمد طوسی (م ۵۲۰ ق) فرزند شیخ طوسی معروف به شیخ الطائفه است. آثار فقهی او عبارتند از: المرشد الی سبیل التعبد، رساله فی الجمعه، کتاب الانوار و شرح بر نهاییه شیخ طوسی (ره) (تهرانی، ج ۱، ۱۴۰۳: ۴۲۹).

دیگر فقهای معروف شیعه این عصر عبارتند از: ابوالحسن علی بن حسن بن ابی‌المجد حلبی صاحب کتاب «اشاره السبق الی معرفه الحق فی اصول الدین و فروع» که در این اثر به مساله امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده و فقها با استناد به آن کتاب از آن تعبیر به «اشاره» کرده‌اند و از فقهای قرن ششم هجری است (ربانی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

ابن حمزه (م ۵۵۸ هـ ق): عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی بن محمد طوسی فقیه فاضل و صاحب «الوسیله الی نیل الفضیله» و کتاب «الثاقب فی المناقب». کتاب الوسیله او یک دوره کامل فقه است. نام ابن حمزه در کتب فقهی شیعه بسیار به چشم می‌خورد (صدر، بی تا: ۳۰۵).

قطب الدین راوندی کاشانی (متوفی ۵۷۳ هـ ق): سعید بن هبه الله بن الحسن راوندی از مشایخ بزرگ ابن شهر آشوب بوده است. وی از اعظام محدثان شیعه محسوب می‌شود. نزدیک به ۶۰ کتاب و رساله در موضوعات مختلف دینی برای او گزارش شده است. از آثار او «فقه القرآن» است. ایشان در این کتاب آیات قرآن را براساس ابواب فقه مورد بحث قرار داده است. او کتاب دیگری بنام «الرائع» در شرح شرایع محقق حلی دارد. کتاب المغنی (در ۱۰ جلد) او نیز شرحی بر نهاییه شیخ طوسی است.

قطب الدين كيدرى بيهقى (٥٧٦ ق)، كتاب اصباح الشيعه بمصباح الشريعه و كتاب الاصباح از آثار ايشان در زمينه فقه اماميه است.

ابومنصور طبرسى (م ٥٨٠ ق): احمد بن على بن ابيطالب طبرسى، صاحب كتاب الكافى در فقه و از اساتيد ابن شهر آشوب، شهيد اول در شرح ارشاد بسيارى از اقوال و نظريات ايشان را نقل کرده است (قمى، ج ٢، ١٣٥٨: ٤٠٤).

ابن زهره (م ٥٨٥ ق) سيد ابوالمكارم حمزه بن على حسيني امامى معروف به «سيد بن زهره حلى» وى از فقيهان بزرگ شيعه محسوب مى شود و نظريات او در قديم مورد توجه فقها و علما بوده است. ابن كثير در اخبار سال ٥٠٧ ق از ابن زهره به عنوان فقيه نامور اماميه و مرجع على الاطلاق شيعه در آن مناطق ياد مى كند (ربانى، ١٣٨٦: ١٢٧).

از آثار ابن زهره «غنية النزوع» است كه يك دوره كامل فقه محسوب مى شود. «قبس الانوار فى نصره العتره الاخير» و رساله در «منع قياس» و رساله اى در «اباحه نكاح متعه» و رساله اى در «تحريم فجاج» و رساله اى ديگر در «كتابهاى تراجم» نوشته اند.

يحيى بن سعيد حلى (٥٨٩ هـ ق): ايشان از فضلاى عصر خود بوده و در ادب و فقه اصول جامع فنون بود. از مهمترين آثار او «نزهة الناظر»، اولين كتابى است كه علمائى شيعه در باره قواعد فقه نوشته اند. از ديگر آثار او الجامع للشرايع است كه دوره كامل فقه است.

محمد ابن ادریس حلی «م ٥٩٨ هـ ق»: معروف به ابن ادریس حلی است. وى برترين فقيه شيعه در قرن ششم است. مهمترين اثر ايشان كتاب «السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى» است.

از عصر شهيد اول كمتر فقيهى پيدا مى شود كه در فقه اثرى از خود برجاى گذاشته باشد و از فتاواى ابن ادریس به عنوان موافق يا مخالف ياد نكرده باشد و هيچ عالمى در شرح حال علما قلم فرساى نكرده مگر اينكه از ابن ادریس به بزرگى و عظمت و جلالت ياد کرده است (ربانى، ١٣٨٦: ١٣٤).

٦- شيعيان اهل ادب منثور و منظوم

ادبيات شيعى به عنوان شاخه اى از ادبيات دينى با درون مايه بيان مناقب و فضائل اهل بيت پيامبرگرامى اسلام (ص)، همواره مورد توجه شاعران امامى مذهب بوده است. يكى از معروفترين اين شاعران، قطب الدين محمد بن حسين بيهقى معروف به قطب الدين كيدرى است. كتاب انوار العقول من اشعار وصى الرسول در اشعار منسوب به اميرالمومنين از آثار اوست.

همچنین، در شمار آثار منظوم این قرن، اشعار شاعر بزرگ، ابوالمجد مجدون بن آدم سنایی غزنوی (۴۷۳-۵۴۵ ق) معروف به حکیم سنایی است. ایشان صاحب دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه با ۱۰ هزار بیت؛ سیرالعباد با ۷۰۰ بیت؛ طریق التحقیق و منظومه‌های کارنامه بلخ و عشقنامه، عقلنامه و تجربه العلم که با سه مثنوی دیگر تشکیل سته سنایی را می‌دهند (صفا، ۱۳۸۸: ۲۵۵). عبدالجلیل او را شاعری شیعی معرفی می‌کند.

ابوالمفاخر رازی از دیگر شعرای پارسی سرای قرن ۶ هـ ق است. او قصیده‌ای برای امام رضا (ع) سرود که بر آن شروحنی مثل رساله حل ماینحل نگاشته شده است. ایشان کتاب شعر دیگری به فارسی در شرح واقعه کربلا بنام «مقتل الحسین» دارد. به گفته عبدالجلیل، قوامی رازی متوفی نیز از شاعران نیمه قرن ششم قمری و از مناقب خوانان و مداحان شیعی است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۳). ابن منیر طرابلسی (م ۵۴۸ ق) و سبط ابن التعاویذی (م ۵۸۴ ق) از شعرای عرب زبان شیعی امامیه قرن ششم است.

۷- نقش شیعیان امامی در تاریخ نگاری

شیعیان امامی در شاخه‌های مختلف تاریخ نگاری آثار مفید و متعددی را از خود به جای گذاشته‌اند. آنان ضمن ثبت و ضبط اسامی و شرح حال بزرگان و تاریخ نویسی، نقش ویژه و منحصر بفردی در علم تراجم و دانش رجال داشته‌اند.

کتاب روضه الواعظین و بصیره المتعظین اثر محمد بن فثال نیشابوری (م ۵۰۸ ق) که به تاریخ زندگانی دوازده امام پرداخته است از جمله این آثار گرانسنگ است.

کتاب اعلام الوری باعلام الهدی اثر امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ق) درباره تاریخ زندگانی چهارده معصوم است.

طبرسی، شیخ احمد بن علی بن ایطالب طبرسی متوفی نیمه اول قرن ششم و مولف کتاب تاریخی کلامی الاحتجاج علی اهل اللجاج یا احتجاج طبرسی، درباره محاجات و مناظرات پیامبر اسلام و ائمه شیعه، واقعه غدیر خم، ماجرای فدک، محاجات علی و معاویه و....

کتاب بشاره المصطفی لشيعه المصطفی نوشته محمد بن ابی القاسم طبری معروف به عماد الدین طبری زنده در سال ۵۵۳ هجری، او از بزرگان امامیه و کتابش از منابع ارزشمند در اثبات مذهب شیعه است.

عبدالجلیل بن ابی الحسین بن ابی الفضل قزوینی رازی زنده در سال ۵۶۰ هجری مولف کتاب تاریخی - کلامی بعضی مثالب النواصب فی نقض بعضی فضائل الروافض یعنی برخی از معایب ناصیان در رد کتاب برخی از رسوایی‌های رافضیان که معروف به کتاب النقض است. اهمیت تاریخی این کتاب درباره اوضاع سیاسی - فرهنگی و مذهبی و مدارس و مراکز علمی شیعیان آن زمان و برای پاسخگویی و رفع اتهام آنان نوشته شد.

ابن فندق، ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بن محمد بیهقی متوفی ۵۶۵ ق مولف کتاب برجسته تاریخ بیهقی که بیشترین قسمت کتاب وی در تراجم مشاهیر رجال می‌باشد. کتاب الخراج و الجرائح نوشته قطب الدین راوندی متوفی در سال ۵۷۳ ق، در معجزات نبوی و کرامات ائمه است. این کتاب گرچه با تکیه بر روایات تدوین شده اما کتابی تاریخی است. کتاب قصص الانبیاء اثر دیگر قطب الدین راوندی در موضوع تاریخ و شرح حال پیامبران است.

از معروفترین این آثار در قرن ششم هجری؛ کتاب فهرست اسماء علماء شیعه و مصنفیهم، اثر شیخ منتجب الدین ابوالحسن علی بن عبید... بن حسن بن بابویه، اندیشمند متوفی سال ۵۸۵ ق این کتاب چگونگی حضور فرهنگی تشیع در شهر ری را در قرن ششم نشان می‌دهد.

کتاب معالم العلماء نوشته ابو عبید... محمد بن شهر آشوب مازندرانی معروف به ابن شهر آشوب متوفی در سال ۵۸۸ ق، ایشان این کتاب را به عنوان متمم کتاب فهرست شیخ طوسی نوشت و به معرفی علمای شیعه و کتاب‌های آنان که بالغ بر ۶۰۰ نفرند و در کتاب فهرست شیخ ذکر نشده، پرداخته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۲۹).

در همین زمان کتاب مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) در فضائل و مناقب آل ابی طالب تدوین شده است. محمد بن حسین بن حسن رازی (قرن ششم و هفتم) مولف کتاب نزهه الکرام و بستان الغوام، در فضائل شیعه و ذکر معجزات معصومان، به زبان فارسی و در دو مجلد می‌باشد (آقابزرگ تهرانی، ج ۳، ۱۴۰۳: ۱۰۷)

کتاب دلائل نیز نوشته ابو محمد عبدالباقی بن محمد بصری متوفی قرن ششم هجری است. کتاب الفضائل اثر شاذان بن جبرئیل قمی زنده در سال ۵۹۳ ق و از دانشمندان بزرگ شیعه قرن ششم است. وی کتابش را در دفاع مستند از موقعیت امامان شیعه به‌ویژه امام علی (ع) نوشته است (آقابزرگ تهرانی، ج ۱۶، ۱۴۰۳: ۲۵۰).

مراسمات فرهنگی امامیه در قرن ششم هجری

۱- مناقب خوانی

واژه مناقب جمع منقبت، به معنای خصال نیک، سجایای پسندیده، صفات و هنرهایی است که موجب ستودگی و مایه مباهات و ستایش است و نقطه مقابل آن مثالب است برخی این واژه را به معنای معجزه نیز دانسته‌اند (طریحی، ج ۲، ۱۳۷۵: ۱۷۵).

مناقب‌خوانی به معنای عام، در وهله اول ابزار تبلیغ و ترویج مذهب بود تا به وسیله فضایل و مناقب اهل بیت نبوت که گاه در اثر جهالت و عوام‌زدگی مردم و در بسیاری موارد از روی عمد یا در پی دسیسه‌های سفیانی و مروانی و عباسی به فراموشی سپرده شده بود بار دیگر به گوش مردمان رسانده شود سپس جفاهایی که در حق آنان روا گشته بود به نظلم واگویه گردد تا آشکار شود که در اثر این نسیان و ظلم چه سیه روزی‌هایی گریبان‌گیر مسلمانان و عالم اسلام شده است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۴۶). مناقب‌خوانان تلاش می‌کردند با ذکر نام و یاد و فضائل اهل بیت و برتری آنان در تمامی شئون دینی و انسانی بر دیگران، آشکار سازند که آنان تنها افراد شایسته برای امارت بر جهان اسلام هستند (ایزدی، ۱۳۸۷: ۴۶).

مناقب‌خوانی یکی از مراسمات شایع قرن ششم هجری بود که در مناطق تحت نفوذ شیعه به صورت علنی برگزار می‌شده است. این مراسم شبیه به مدیحه‌سرایی است که امروز در ایران، فراوان دیده می‌شود. مولف کتاب «فضائح الروافض» شکل و نوع این مناقب را بیان کرده است. رازی از قول مؤلف فضائح از زبان یک سنی متعصب در قرن ششم هجری درباره مناقب‌خوانان شهر ری چنین می‌نویسد:

«... و در بازارها مناقب خوانان گنده دهن، فرا داشته اند که ما منقبت امیرالمومنین می خوانیم. و همه قصیده‌های پسر بنان رافضی^۱ و امثال او، می خوانند. و جمهور روافض، جمع می شوند. همه وقیعت صحابه پاک و خلفای اسلام و غازیان دین است و صفات تنزیه که خدای راست جل جلاله و صفت عصمت که رسولان خدای راست علیهم السلام و قصه معجزات که الای پیغمبران خدای را نباشد، شعر کرده می خوانند. و به علی بوطالب می بندند» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۵).

مناقب خوانی در مناطق شیعه نشین ایران رواج داشته و در مقابل آن اهل سنت مراسم فضائل خوانی داشته اند. مناقب خوانی در حقیقت بیان فضائل اهل بیت بود که خود سبب گسترش تشیع و افزودن بر نفوذ سادات و علویان بود. این مراسم امروزه به صورت مراسمات مداحی به ویژه در ایام مناسبتی خاص در قالب هیأت‌ها و تکیه‌ها در سراسر جهان تشیع دیده می شود.

۲- مراسم روز عاشورا

این مراسم از سابقه‌ای طولانی در بین شیعیان برخوردار است. به موازات شکل‌گیری سنت‌های رسمی، شیعه روز عاشورا را روز تعزیت اعلام کرد در مقابل مخالفان اهل بیت آن روز را به شادی و سرور پرداخته و آن را عید اعلام نمودند. زکریای قزوینی در این زمینه می نویسد:

«آنها، عاشورا را عید گرفته و در آن روز زینت کرده و مهمانی می کنند. در حالی که شیعه، عاشورا را روز عزا گرفته در آن روز نوحه خوانده و از زینت کردن پرهیز دارند» (زرنندی، ۱۴۳۳: ۲۳۰).

محلّه کرخ بغداد که از مراکز مهم شیعی بود در طول قرن چهارم هجری به ویژه با به قدرت رسیدن آل بویه، مراسم این روز بسیار مفصل برگزار می شد. در شهرهای شیعه‌نشین ایران روز عاشورا را بزرگ می پنداشتند. کتاب النقص به نقل از مؤلف فضائح می نویسد: «این طایفه، روز عاشورا اظهار جنز و فزع کنند. و رسم تعزیت را اقامت کنند. و مصیبت شهدای کربلا، تازه گردانند بر منبرها و قصه گویند. و علما، سر برهنه کنند و عوام، جامه چاک کنند. و زنان، روی خراشند و مویه کنند» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۷۰).

۱. ظاهراً باید عبدالملک بن بنان باشد که وقتی مؤلف نقض می خواهد فهرست مفاخر شیعه را در قلمرو شعر فارسی برشمارد بعد از فردوسی و فخری جرجانی و کسایی از او یاد می کند و می گوید: «فخری جرجانی شاعری (شیعه) بوده است و در کسایی خود خلافتی نیست که همه دیوان او مدایح و مناقب مصطفی و آل مصطفی است علیه و علیهم السلام و عبدالملک بن بنان رحمه الله علیه مؤید بوده است به تأیید الهی...» وی از مردم قم بوده است. (شفیعی کدکنی، محمدرضا، راه‌های انتشار یک شعر در قدیم، مجله فرهنگی و هنری بخاراش، ۳۶، خرداد/تیر ۱۳۸۳، صص ۴۸ و ۴۹، به نقل از نقض فضائح الروافض، ص ۲۳۱ و ۵۳۹)

۳- عید غدیر

این عید، یکی از باشکوه‌ترین اعیاد شیعیان است که همواره در طول تاریخ، مورد احترام و عنایت امامیه بوده است. امامیه از آن بعنوان عید الله الاکبر، عید اهل بیت پیامبر و اشرف الاعیاد یاد نموده‌اند. این مراسم به یادبود معرفی امیرالمومنین علی (ع) توسط پیامبر (ص) به‌عنوان امام و جانشینی ایشان است. این واقعه در منطقه غدیر خم، که برکه ای کوچک در بین مکه و مدینه بوده، در روز ۱۸ ذی‌الحجه سال ۱۰ هجری قمری (برابر با ۲۸ اسفند سال ۱۰ خورشیدی) برگزار شده است. بنا به گزارشات تاریخی این مراسم در قرن ششم هجری در مراکز شیعی، در روز ۲۶ ذی حجه برگزار می‌شده است. در مقابل عید غدیر، اهل سنت یوم الغار را جشن می‌گرفتند (حنبلی دمشقی، ج ۳، ۱۴۰۶: ۱۳۰)

۴- نماز جمعه در میان شیعیان

یکی از عبادات‌های سیاسی-عبادی که در بین شیعیان امامیه سنت بوده و همواره بر عمل به آن تأکید ورزیده‌اند، برپایی و شرکت در نماز باشکوه جمعه بوده است. وجود مساجد جامع در شهرهای شیعی که جهت برپایی نماز جمعه ساخته می‌شد، شاهدی بر صدق این مدعاست. رازی می‌نویسد: «بِحَمْدِ اللَّهِ وَ مَنَّهُ در همه شهرهای شیعه، این نماز برقرار و قاعده هست و می‌کنند با خطبه و اقامت و شرائط. چنانکه در دو جامع بقم و بدو جامع بآوه و یک جامع بقاشان و مسجد جامع بورامین و در همه بلاد شام و دیار مازندران. و انکار این، غایت جهل باشد» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۹۵).

نتیجه‌گیری

با توجه بررسی‌های انجام شده، یافته‌ها حاکی از آن است که با اوج‌گیری اختلافات سیاسی در قرن پنجم هجری و وقوع جنگ‌های صلیبی، جهان اسلام در مسیر رشد و توسعه و اعتلای فرهنگی دچار رکود و توقف شد؛ اما اقلیت شیعه در قرن ششم هجری، با اندیشه نو و فکر خلاق خود راه تکامل و تحول در این مسیر را ارتقاء بخشید. ایجاد و گسترش مراکز فرهنگی و علمی مانند مدارس و تأسیس دارالعلم‌ها و کتابخانه‌ها از اقدامات موثر شیعیان

امامی در این عصر است. آنان علوم عقلی و نقلی را دچار تحول کردند و به مهندسی برخی از علوم و در مواردی به تولید علم پرداختند. عالمانی چون ابن ادریس، محقق حلی در فقه تحول آفریدند و دانشمندان چون خواجه نصیرالدین طوسی در علم کلام در تفسیر و فلسفه نیز تغییر و تحولاتی رخ داد. شیعیان امامیه شرق جهان اسلام در این عصر پیش دستان وحدت بودند و با تسامح با سنیان متعصب حاکم برخورد می کردند و از اصرار بر مسائل حساسیت برانگیز اجتناب می نمودند. تقیه نیز به نوعی از شدت یافتن این تسامحات حکایت دارد. همچنین برخی حکومت های شیعی ضمن ساخت شهرها و ابنیه و مراکز علمی، اقتصادی و رفاهی دست به خدمات تمدنی ارزنده ای زدند.



فهرست منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۴۱۴ق)، الکامل فی التاریخ، موسسه التاریخ العربی، چاپ چهارم، بیروت.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶ش)، تاریخ طبرستان، تصحیح: اقبال، عباس، کلاله خاور، چاپ دوم، تهران.
- ابن ادریس (۱۳۹۰)، کتاب السرائر، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ ششم، قم.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله طنجی (۱۳۳۷ش)، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا)، وفيات الاعیان، تحقیق دکتر احسان عباس، دارالتقافه، بیروت.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰)، معالم العلماء، مطبعه الحیدریه، نجف.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۰)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۴۱۸)، الفخری فی آداب السلطانیه، دارالقلم عربی، چاپ اول، سوریه.
- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد (۱۹۴۰م)، تلخیص مجمع الاداب، به کوشش محمد عبدالقدوی قاسمی، لاهور.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۳۸ش)، مسالک و الممالک، به اهتمام ایرج افشار، انتشارات علم، تهران.
- امین عاملی، سید محسن (۱۴۱۸ق)، اعیان الشیعه، دارالتعارف، بیروت.
- اوجاقی، ناصر الدین (۱۳۸۹)، علم امام از دیدگاه کلام امامیه (از قرن اول تا هفتم هجری)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۹۷۱م)، النابس فی القرن الخامس، چاپ علی نقی منزوی، بیروت.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۹۷۲م)، طبقات اعلام الشیعه: الانوار الساطعه فی المائه السابعه، چاپ علی نقی منزوی، بیروت.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ سوم، دارالاضواء، بیروت.
- برزگر، اردشیر (۱۳۸۰ش)، تاریخ تبرستان، رسانش، تهران.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۹ش)، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، سمت، تهران.
- بیهقی کیدری، قطب الدین (۱۴۱۶ق)، إصباح الشیعه بمصباح الشریعه، تحقیق الشیخ ابراهیم البهادری، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، قم.
- جبعی عاملی، زین الدین (۱۴۰۸ق)، الرعايه فی علم الدرايه، تحقیق: بقال، عبدالحسین، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، نشر علم، تهران.
- حسینی جلالی، محمدرضا (۱۴۱۲ق)، المنهج الرجالی و العمل الرائد فی موسوعه الرجالیه لسید الطائفه آیه الله العظمی البروجردی، بوستان کتاب، قم.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (بی تا)، معجم البلدان، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- حنبلی دمشقی، ابن العماد (۱۴۰۶)، شذرات الذهب، تحقیق الارناووط الطبعة الاولى، دمشق.

- خوارزمی، ابوبکر (۱۳۸۴ق)، رسائل خوارزمی، تصحیح و تحشیه: پورگل، محمدمهدی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، (۱۳۶۶)، حبیب السیر، کتابفروشی خیام، تهران.
- دمیری، کمال الدین (۱۴۲۳)، عجائب المخلوقات در حاشیه حياه الحيوان، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۸۷م)، تاریخ اسلام، دارالکتب العربی، بیروت.
- ربانی، محمد حسن (۱۳۸۶)، فقه و فقهای امامیه در گذر زمان، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، تهران.
- زرنندی، محمد بن یوسف (۱۴۳۳)، نظم در السمطین، مجمع العالمی لاهل البیت، قم.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۹۶۲-۱۹۸۲)، الانساب، مطبعه مجلس، دائرة المعارف العثمانیه، هند.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۷۰)، تاریخ خلفاء، مصحح محمد محبی الدین، عبدالحمید، منشورات شریف رضی، قم.
- صدر حاج سید جوادى، احمد (۱۳۸۵ش)، دایره المعارف تشیع، ناشر شهید سعید محبی، تهران.
- صدر، سید حسن (بی تا)، تاسیس الشیعه، شرکه النشر والطباعه العراقیه، بغداد.
- صفاء، ذبیح... (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات در قرآن، امیرکبیر، چاپ ششم، تهران.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (۱۴۰۵)، الوافی بالوفیات، دارصادر، بیروت.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ق)، تاریخ الامم و الملوک، موسسه الاعلمی، بیروت.
- عابدی، احمد (۱۳۸۰)، ترجمه الاداب الدینیه، زائر، قم.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۳۷۳)، مشایخ فقه و حدیث در جماران و کلین و درشت، تهران.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۳۶۶)، ترجمه روضه الواعظین، ترجمه مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران.
- فخرالدین طریحی (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، تهران.
- فضل ا.. همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۵۶)، جامع التواریخ، قسمت اسماعیلیان و نزاریان، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و محمد مدرس، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- قیادیانی، ناصر خسرو (۱۸۸۱م)، سفرنامه، بینا، پاریس.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تصحیح محدث ارموی، انجمن آثار ملی، تهران.
- قطب الدین راوندی (۱۴۰۵)، فقه القرآن، تحقیق سید احمد حسینی، کتابخانه آیت ا.. مرعشی نجفی، قم.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۵۸)، الکنی و الالقاب، مطبعه العرفان، صیدا.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۷)، فواید الرضویه، نشر نوید اسلام، قم.
- گیلانی، علی (۱۳۵۲ش)، تاریخ مازندران، مصحح: ستوده، منوچهر، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳)، بحار الانوار، اسلامیه، تهران.
- مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴)، ریحانه الاداب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب، خیام، قم.
- مرزبان بن رستم (۱۳۵۵ش)، مرزبان نامه، تحریر سعدالدین و راوینی، به کوشش محمد روشن، تهران.

- مرعشی، سیدظهیرالدین (۱۳۵۱)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، شرق، تهران.
- مسعودی، ابوالحسن (بی تا)، مروج الذهب و معادن الجواهر، دارالاندلس، بیروت.
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۹۵)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ناشر مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- منشی کرمانی، ناصر الدین (۱۳۶۴)، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، اطلاعات، تهران.
- نخجوانی، هندوشاه (۱۳۶۱)، تجارب السلف، به اهتمام سیدحسن روضانی اصفهانی، نشر نفائس محفوظات، تهران.
- یعقوبی، محمدطاهر (۱۳۹۴)، حیات علمی و فرهنگی شیعیان امامیه، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، قم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، راه‌های انتشار یک شعر در قدیم، مجله فرهنگی و هنری بخارا، خرداد/تیر، شماره ۳۶.
- ایزدی، حسین؛ زیرکی، مهدی (۱۳۸۷)، مقاله مناقب خوانی در دوره آل بویه، فصلنامه تاریخ اسلام، سال نهم، بهار و تابستان.
- جهان بخش، جوایا (۱۳۷۸)، قطب الدین کیدری و انوار العقول، علوم حدیث، تابستان، شماره ۱۲.
- حاجی زاده، یدالله (۱۳۹۹)، مقاله کارکرد دارالعلم فاطمی در آموزش علوم و تبلیغ تعالیم اسماعیلی، نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی، سال اول، تابستان، شماره چهارم.
- رمضان پور محمد، قاضی پور شیروان طاهره، باغانی خاتلق معصومه (۱۳۹۵)، بررسی روابط اسپهبدان مازندران و شیعیان امامیه در دوره سلجوقیان، مجله تاریخ نو، بهار، شماره ۱۴.
- مظاهری، علی (۱۳۵۳)، امامیه در مازندران قرن ششم، مجله معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، ناشر: سازمان اوقاف و امور خیریه، پاییز، صفحات ۳۰ تا ۳۹، شماره ۱۸.
- یعقوبی، محمدطاهر (۱۳۸۵)، مقاله تشیع خلیفه ناصرالدین الله، مجله تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، بهار، شماره ۹.
- حسن نژاد، زمانه (۱۳۹۳)، مقاله جایگاه هنر بومی در معماری سلسله باوندیان (۴۶۶-۶۰۶ ق)،

www.localhistory.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی